

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

(سوفاتی اربعین ۱۴۳۷)

جله خانوادگی استادانوت ۹۴/۹/۱۸

خوب است افرادی که برای سالهای بعد می خواهند در منسک اربعین حضور داشته باشند، به این نکات توجه کنند:

__ من به برکت سفر حج سال پیش و به برکت سفری که سال پیش اربعین مشرف شدم و همینطور امسال و همچنین به برکت سوره مبارکه حج که در این مدت با هم خواندیم به نتیجه ای رسیدم که برای خودم بسیار مهم بود و در سفر امسال به دنبال آن بودم که بینم درست هست یا نه؟!

__ کسانی که اربعین به عتبات میروند باید برای راهپیمایی برنامه ریزی کنند نه زیارت.

قصد پیاده روی کردن و رفتن و سرزمین کربلا را لمس کردن و حتی امام حسین را زیارت نکردن و برگشتن هم مهم است. همین مقدار که حرکت می کنید و می روید، مهم است.

کسانی که در این ایام، به قصد زیارت به این مشاهد مشرف می روند، خیلی بار زیارتی برایشان ندارد؛ اما کسانی که به قصد راهپیمایی می روند، بار زیادی برایشان دارد.

کسانی که میخواهند زیارت عتبات بروند در بقیه سال بروند و اربعین را برای راهپیمایی بگذارند.

[اینکه روی اربعین، اسم منسک میگذارم، ذوق شخصی بنده است. به دلیل درک فضای منا و اربعین و نیز بهره هایی که از مولفه های سوره مبارکه حج برده ام؛ اربعین را منسک نامگذاری می کنم.]

__ توصیه کلی ام این است افرادی که بچه کوچک دارند به این سفر نیایند؛ زیرا بچه ها اذیت می شوند. حتی ممکن است گاهی برای بچه ها ضرر هم داشته باشد. بیمار شدن ها، ازدحام ها و... برای بچه ها ضرر دارد.

_ مناسک جهاد هستند. عده ای نمی‌توانند و نباید اصرار داشته باشند که بیایند و از طرف دیگر عده ای هم نباید برای نرفتن اصرار داشته باشند؛ چون منسک به هم می‌خورد.

_ مهم‌ترین سوغات این سفر که به نظرم آمد و در جاهای مختلف دیدم این است که انسان باید در زندگی در مدار تکلیف عمل کند. اگر خدا خواست، انجام دهد؛ به خاطر این تکلیف مداری است که به انسان سوغاتی می‌دهند. هر کسی واجب خدا را واجب بشمارد و عمل کند و حرام او را حرام بشمارد و بر اساس آن عمل کند؛ خدا همه چیز به او می‌دهد.

در واقع اینها همه بهانه است که این قدرت در انسان فعال شود. اینکه برخی دوستان به صورت گلایه یا ... اظهار کرده اند که چرا ما حضور نداشتیم؛ آنها حتما اجرشان را به صورت خیلی زیاد دریافت می‌کنند.

من به طور واضح متوجه شدم که قصد همه این برنامه‌ها فعال شدن قوه اطاعت در انسان است. اینکه انسان بدون چون و چرای را که باید، انجام دهد. بدون اینکه ناراحت شود. این ناراحتی، مُخِلُّ عملکرد درست است.

مثلا وقتی امام حسین علیه السلام به جناب مسلم گفتند برو کوفه، جناب مسلم میگفت که آقا جان چرا مرا از پیش خودت دور می‌کنی (و ناراحت میشد) اینهمه آدم اطرافت هست و...

اما چنین نکرد.

سبک دینداری ما به درد ولیّ الهی نمی‌خورد؛ چون هر آنچه فکر می‌کنیم خوب است، می‌خواهیم به ما هم بدهند و اگر ندهند؛ ناراحت می‌شویم. اصلا قابل دستور دادن نیستیم. یا احساس می‌کنیم بی‌توفیقیم یا ...؛ تعادل نداریم.

اینها مواردی است که باید در ما درست شود.

یک وقتی ممکن است در یک جمع صد نفره، باید ۹۵ نفر جهاد بروند و فقط پنج نفر بمانند. این پنج نفر باید به راحتی بمانند. اینکه در ذهن کسی بیاید چرا من باید جزو این پنج نفر باشم؛ نباید باشد.

این سفرها ممکن است خطر جانی برای افراد داشته باشد؛ باید رعایت کنند. وقتی گفته می‌شود صلاح نیست با بچه بیایی یا مادر مسنات را بیاوری باید بپذیرد.

یکی از زیباییهای مناسک دیدن همین اطاعت ها و عدم اطاعت هاست.

_ در منسک آداب وجود دارد:

+ وقوف در منسک بسیار اهمیت دارد.

فرد کربلا رفته؛ اما از دور باید حرم را ببیند و حتی نباید به آن نزدیک شود. در حالی که وقوف مهم است یعنی در آن سرزمین بودن.

کسانی که منا بوده اند این را می فهمند. شما باید تقریباً دو شب منامانی (بیش از هفتاد ساعت). آنجا حرم هم ندارد که بخواهی سلام بدهی؛ فقط سه تا شیطان دارد؛ حتی برای منا، ذکرهای خاصی هم وارد نشده.. آنچه مهم است، ماندن در آنجاست. باید با آن فضا، جریان و حال انس پیدا کنی.

وقوف اینگونه است. فضای کلی مهم است. فضای کلی یعنی توجه به اینکه چه کسی اینجا بوده، چرا بوده، چه کرده که اینجا منسک شده و ... فقط باید پاره ای از وقت را بگذارد و درباره این موضوعات فکر کند و انس بگیرد تا قیمت توحیدش بالا رود یعنی اینقدر خدا می ارزیده که باید برایش قربانی و رمی شیطان کرد.

در کربلا هم همینطور است. در کربلا هم به عنوان یک منسک باید شمر، عمرسعد و ... را ببیند و با آنها خداحافظی و ابراز برائت کند. آنقدر که به رمی شیطان باید توجه کند، به ابراهیمش توجه نمیکند. آن را در جای دیگر باید توجه کرد. اگر این توجهات نباشد نتیجه اش میشود این که میروی کربلا و می آیی؛ اما صفات بدت برطرف نمیشود.

این وقوف بسیار مهم است؛ اینکه فرد تصمیم بگیرد اخلاقش با شمر، عمرسعد و ... فرق کند.

+ قبلاً گفتیم همه حضور در همه مناسک را قصد کنند؛ حالا میگوییم علاوه بر این در همه زیارتگاه ها، منسک بودن آنها را قصد کنند. وقتی منسک فکر میکنید، وقوف در آن شما را تغییر میدهد.

+ اگر شما هر قسمت عتبات را یک وقوف حساب کنید، وقتی می روید کاظمین، قبر امام کاظم و امام جواد را می- ببینید و بعد به مشهد می روید، قبر امام رضا را. توجه به این نکات، به این فاصله جغرافیایی، اینکه چرا امام کاظم و امام جواد کنار هم هستند و ... هر کدام درسی هستند. با وقوف این فهم ها حاصل می شود.

+ ان شاء الله خداوند، وقوف در سامرا را قسمت کند. بسیار ویژه است. الحمدلله به خاطر مدافعان حرم، امنیت برای وقوف در سامرا هست.

در وقوف سامرا چند اتفاق مهم را میتوان رویت کرد:

یکی سرداب است. اینکه چرا این سرداب وجود داشته و اینکه چرا با خارج از عسگر ارتباط داشته، مهم است. ظاهراً امام در عسگر بوده اند؛ اما از طریق این سرداب با بیرون ارتباط داشته است. اینکه امام خودشان را در اینجا محبوس ندانسته اند و در همان زمان محبوس بودن، این جا را با یک مهندسی کنده اند... اینکه امکان غیبت از این سرداب فراهم شده و ... اینها همه مهم است.

علاوه بر این در این وقوف ها تنها چند اسم به شما می دهند که باید با آنها انس بگیری. نرجس، حکیمه، هادی، حسن و ... با ترکیب اینها انس بگیر. وقوف به شما اجازه می دهد در پاره ای از زمان، از زمان خودتان قطع شوید و در زمان دیگری حلول پیدا کنید، همان شب و فضا را حس کنید...

باید در جاهایی مثل سامرا که محسوس است، این کار را انجام دهید که در جاهای دیگر مثل مشهد هم بتوانید این کار را انجام دهید. باید در حرم امام رضا ببینید که امام از قتلگاه تا اینجا آمده اند؛ اینجا محبوس بوده اند؛ به ظاهر ولیعهد بوده اند؛ اما محبوس و قطع ارتباط با همه و ...

شما وقتی پایتان را در کاظمین، سامرا یا حتی مشهد میگذارید؛ معنی غیبت را آن موقع میفهمید.. اگر در زمان امام کاظم و امام رضا و امام جواد و بقیه امامان بودید، نمیتوانستید امام را ببینید چون در محاصره بودند.

+ ان شاء الله مشهد که میروید، به قصد منسک بروید. در منسک باید فضای کلی آن را احساس کنید.

اینگونه ببینید که آسمانی را می بینم که هر وقت امام رضا نماز شب میخواند به آن سلام می کرد.

اگر منا رفته باشید میتوانید این وقوف را درک کنید.

دعا کنید حج نصیبتان شود یا وقوف را در خواب یا بیداری به شما آموزش دهند.

وقتی وقوف می کنید دیگر به شلوغی و فکر نمی کنید. اینها برایتان اهمیتی نخواهد داشت.

+ نشانه وقوف این است که در هر وقوف منسکی، انسان هم ردپای شیطان را می‌بیند و هم حتما توحید را. از یک طرف احساس می‌کند چه ظلمی صورت گرفته و از طرف دیگر دست خدا را هم می‌بیند.

+ اما اینکه چگونه متوجه شوید وقوفتان مورد قبول قرار گرفته است:

قاعداً وقوف هر امامی، جلوه‌ای از توحید باید در شما ایجاد کند که همان جلوه، مهم است. مثلاً وقوف کربلا با وقوف سامرا و .. هر کدام رنگ خاصی دارد.

__ من دید وقوف و منسک را از سوره حج پیدا کردم تا سوره حج را ندیده بودم، نمی‌دانستم این داستان هست.

با خودم فکر میکردم اگر شما بپرسید در این سفر کجا بیشتر خوش گذشته، باید بگویم سوره حج و البته که شاید شما باورتان نشود که آدم برود کربلا آنوقت بگوید سوره حج به من خوش گذشته است!

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات